

بررسی تطبیقی شاخص‌های مدیریت سیاسی فضای سطح ملی (کشور) در نظریه‌های مختلف

ابوالفضل کاوندی کاتب (دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

akkateb@gmail.com

محمدرضا حافظ‌نیا (استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

hafezn_m@modares.ac.ir

حاتم قادری (استادیار علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

ghaderyh@modares.ac.ir

غلامحسین غلامحسین‌زاده (استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

gholamho@modares.ac.ir

چکیده

مدیریت سیاسی فضا، مطالعه روش‌های چگونگی اداره، کنترل، نظارت و پیگیری در فضای جغرافیایی است. اداره سیاسی فضای جغرافیایی (در مقیاس‌های متفاوت) به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر با دیدگاه راهبردی و با در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی در فضاهای جغرافیایی است. مدیریت سیاسی فضای ملی یا کشورداری، یکی از سطوح آن است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. اساساً هر حکومت برای اداره کردن و خدمت رساندن به ملت ایجاد شده و برآوردن نیازهای جمعی بر دوش آن‌ها است. بنابراین کارایی بالای حکومت‌ها در همه نظریه‌های سیاسی نمود دارد. هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی شاخص‌ها و وظایف مدیریت سیاسی فضای ملی از دیدگاه نظریه‌های مختلف در علوم انسانی و ارائه مدلی جدید است. روش به کار رفته توصیفی-تحلیلی است که در پایان، شاخص‌ها و وظایف کارکردی نظام سیاسی (کشور) در قالب شش شاخص اصلی شامل اهداف حیاتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی قرار می‌گیرند. برای هر یک از شاخص‌ها، زیرمجموعه‌هایی تعریف شده و در داخل مدلی به نام حلقه‌ای معرفی می‌شوند. شاخص‌ها با توجه به نظریه‌های مدیریت سیاسی فضای ملی و کارکردی حکومت و نیز نقد آن‌ها ترسیم شده‌اند. مدل حلقه‌ای، ترسیم اولویت‌ها، استراتژی‌ها و اهداف مدیریت سیاسی کشور است. به این ترتیب که در حلقه نخست اهداف حیاتی قرار می‌گیرند که با توجه به اولویت‌ها، نیازهای جاری و یا پایدار جامعه قابل تعیین هستند. سپس با توجه به اولویت‌ها، حلقه‌ها از a تا بی‌نهایت، ترسیم می‌شوند. برای نگاه

سیستمی به اولویت‌ها، شعاعی بودن ویژگی دیگر مدل است تا بتوان همه اهداف کشور و جامعه را پوشش داد. هر قدر اهداف در دایره‌های مرکزی‌تری قرار گیرند، از اهمیت بیشتری برخوردار خواهند بود. همچنین با توجه به شرایط زمانی و مکانی ممکن است اولویت‌ها تغییر مکان دهند و از مرکز به بی‌نهایت و یا از بی‌نهایت به مرکز جابه‌جا شوند. میزان موفقیت هر کشوری انجام همه اهداف اساسی به نحوه شایسته است.

واژگان کلیدی: مدیریت سیاسی فضا، کشور، حکومت، نظریه‌های کشورداری.

۱- مقدمه

هر کشور دارای نوعی نظام مدیریتی است که حکومت آن کشور نامیده می‌شود (Mirheydar and Others, 2015: 26). حکومت‌ها، در فرآیند سازمان‌یابی سیاسی ملت، برای مدیریت سیاسی کشور ایجاد می‌شوند (Glassner & Faber, 2004: 31). هر یک از حکومت‌ها بر پایه شیوه‌های دلخواه ابداعی و یا تقلیدی، امور را اداره و وظایف مشخصی را برای خود تعریف کرده‌اند. کارکردهای حکومت به خلق سیاست‌ها و فضای جغرافیایی، نظام سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اندیشه‌ای خاص انجامیده و همین نیروها در شکل‌یابی دوباره حکومت، تحولات، روابط، ساختار سیاسی و... تأثیرگذارانند. سازمان‌یابی حکومت‌ها می‌تواند بر پایه فرآیند ریشه‌یابی فلسفی و منطقی و یا بر پایه الگوبرداری از یکدیگر انجام پذیرد. لازمه موفقیت حکومت، هماهنگی مؤلفه مدیریت سیاسی با ساختار سازمانی از دیدگاه اندیشه و عمل است. مدیریت سیاسی فضا، اداره سیاسی فضای جغرافیایی (در مقیاس‌های متفاوت) به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر با دیدگاه راهبردی و با در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی در فضاهای جغرافیایی است. مدیریت سیاسی فضا به پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عمرانی در سطح خرد و کلان هویت می‌بخشد تا بر پایه روندهای ایجاد شده، بهره‌برداری عقلانی از امکانات و توان بالقوه منابع طبیعی و انسانی در مسیر توسعه متعادل کشور و مناطق گام بردارد (Hafeznia and Others, 2013: 2-3). هدف از اداره سیاسی فضا، توسعه منطقه‌ای، آمایش سرزمین، تقسیمات سرزمینی، رشد همه‌جانبه کشور، عدالت جغرافیایی و... با دیدگاه همه‌جانبه، آینده‌نگر و راهبردی است که در آن تمام شهروندان از حقوق برابر برخوردار باشند (Roumina, 2011: 18).

مدیریت سیاسی فضای ملی (کشور) دارای دو الگوی ثابت و متغیر است. در الگوی ثابت اهداف اساسی کشورها در حفاظت از استقلال، یکپارچگی سرزمینی، مدیریت و اداره بهینه سیاسی کشور، سیاست خارجی، منافع و هویت کشور و شهروندان، افزایش قدرت ملی، حفظ امنیت کشور، نقش نظارتی، سازماندهی سیاسی فضا، ایجاد شبکه سراسری ارتباطات و اطلاعات، آمایش، برنامه‌ریزی، توسعه، برقراری عدالت جغرافیایی و اجتماعی، مدیریت بهینه محیط زیست، ایجاد رفاه عمومی و... مورد نظر است که در میان همه کشورها مشترک است. در الگوهای متغیر مدیریت سیاسی فضا بسته به شکل نظام سیاسی کشور، الگوهای متعدد، تک‌ساخت، فدرال و... در اداره کشور مؤثر خواهند بود و نمایانگر انواع الگوهای مدیریت سیاسی فضا است.

حکومت تک‌ساخت به حکومتی گفته می‌شود که یک کانون بسیار قوی با قدرت سیاسی متمرکز داشته باشد و از این طریق بر سراسر کشور اعمال قدرت کند؛ در حالی که حکومت فدرال کانون‌های قدرت متعددی دارد و واحدهایی که اجزاء ترکیبی حکومت را تشکیل می‌دهند، دارای ویژگی‌های کاملاً متفاوت‌اند (Mirheydar and Others, 2015: 199). لذا به منظور اداره بهتر امور و تنظیم روابط افقی و عمودی آن با سایر نواحی و نیز تعریف و استقرار نهادهای سازمانی محلی، مرزهای ناحیه و کانون، نیاز به سازماندهی سیاسی است (Hafeznia and Kavyanirad, 2002: 22). از همین روی سطوح مدیریت سیاسی فضا شکل می‌گیرند:

۱. سطح جهانی یا کروی که توسط نهاد رسمی و فراگیری چون سازمان ملل متحد انجام می‌پذیرد؛
۲. سطح منطقه‌ای (یا قاره‌ای و اقیانوسی) با مدیریت سازمان‌های رسمی منطقه‌ای؛
۳. سطح ملی یا کشوری توسط حکومت و یا دولت رسمی حاکم بر آن کشور؛
۴. سطح استانی یا ایالتی، توسط نهاد رسمی استانداری یا دولت ایالتی؛
۵. سطح شهرستانی یا ناحیه‌ای، توسط نهاد رسمی فرمانداری؛
۶. سطح محلی یا مکانی، شامل بخش‌ها، شهرها و روستاها (Hafeznia, 2013: 1).

در این مقاله آنچه مورد نظر است مطالعه اهداف ثابت سطح ملی یا کشوری در نظریه‌های مختلف است که مدیریت و اداره آن توسط حکومت ملی اعمال می‌شود و می‌توان آن را کشورداری نامید. لذا کشورداری یکی از سطوح مدیریت سیاسی فضا است.

۲- کشورداری

کشورداری، هنر یا مهارت اداره امور کشور^۱، فرمانداری و دیپلماسی^۲، فن راهبری و اداره^۳ و مهارت مدیریت امور کشور^۴ است. عناصر مشترک دانش درباره کشورداری فراوان هستند (Ieder, 2015: 95). پایه‌گذار رشته جغرافیای سیاسی، «تورگو» (۱۷۸۱-۱۷۲۷ میلادی) جغرافیای سیاسی نظری را مطالعه رابطه بین هنر حکومت و کشورداری با مردم و محیط طبیعی و فیزیکی می‌داند (Hafeznia, 2014: 12). کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴ میلادی) هم جغرافیای سیاسی را رابطه بین سیستم‌های سیاسی و حقوقی با جغرافیای طبیعی می‌داند (Hafeznia, 2014: 18). امروزه دانش جغرافیا در زمینه امنیت ملی، ثروت ملی، پرستیژ بین‌المللی (Rennie Short, 1993: 18)، هویت و تهدیدات (Ó Tuathail and Dalby, 2002: 5) با تقاضا مواجه شده است. اما در آغاز، هویت سیاسی ملی و علت وجودی کشور دو زمینه مهم در مطالعات جغرافیای سیاسی بودند (Agnew, 2002: x). ژئوپلیتیک نیز به طور سستی در خدمت کشورداری بوده (Ó Tuathail, Dodds, 2005: 29; Agnew, 2003: 125; Ó Tuathail and others, 2003: 33) چرا که می‌تواند به فهم بهتر فعالیت‌های فضایی کمک کند (Ó Tuathail and Dalby, 2000: 166). (2002: 3).

۳- عوامل تأثیرگذار در مدیریت سیاسی فضای ملی (کشور)

برخی از عوامل در الگو و نوع مدیریت سیاسی فضای ملی تأثیرگذارانند. مهم‌ترین عوامل به شرح زیر است:

۱. تأثیر نظام سیاسی و نهادهای تصمیم‌گیر: نظام سیاسی شامل حقوق اساسی و منابع آن (قانون اساسی، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و...)، حکومت و بازیگران سیاسی (احزاب، سازمان‌های مردم‌نهاد NGO، نیروهای سیاسی و نظامی و...)، نوع رژیم سیاسی (دیکتاتوری، مردمسالاری و...)؛

1. <http://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/statecraft>

2. <http://www.dictionary.com/browse/statecraft>

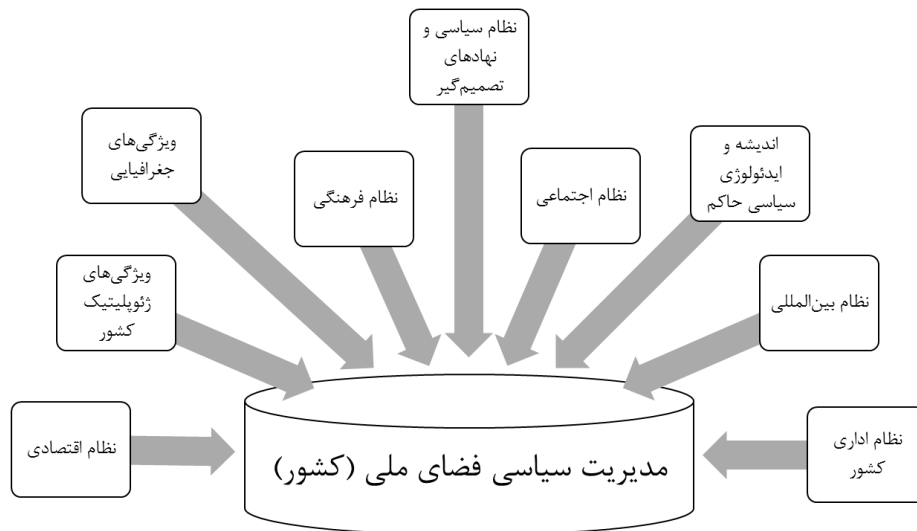
3. <http://dictionary.abadis.ir/atofa/%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C/>

4. <https://en.oxforddictionaries.com/definition/statecraft>

۲. اندیشه و ایدئولوژی سیاسی حاکم بر کشور: نظام‌های سیاسی و حکومت‌ها، اهداف، برنامه‌ها و سیاست‌های خود را بر اساس نوع اندیشه و ایدئولوژی سیاسی حاکم در کشور اداره می‌کنند که به طور کلی می‌تواند دینی و مذهبی، ملی‌گرا، کمونیسم، لیبرالیسم، اقتدارگرا و یا سوسیالیسم باشد؛
۳. نظام اجتماعی: میزان و ویژگی‌های جمعیتی کشور، اقلیت‌های مذهبی و قومی، روابط اجتماعی، مناسبات اجتماعی و...؛
۴. نظام اقتصادی: بر پایه آزادی مالکیت می‌تواند انواعی چون لیبرالیسم، مارکسیسم و یا از نوع اسلامی باشد؛ نظام اقتصاد ملی به دست حکومت رهبری می‌شود و بنا به نوع سیاست‌ها، در برگیرنده نظام مالیاتی، نظام بانکداری، چاپ و پخش اسکناس، مقررات خارجی و ارزی، تولیدهای ملی، خدمات، بازرگانی و... است. نوع نظام اقتصادی تا حد زیادی بر مدیریت سیاسی فضای ملی اثر می‌گذارد؛
۵. نظام اداری کشور: اعم از اینکه کشور از نوع بسیط (یا متمرکز و تک‌ساخت) یا فدرال (چندپارچه یا مرکب) باشد. این موضوع در جغرافیای سیاسی اهمیت دارد، چرا که تا حد زیادی تعیین کننده نوع ارتباط میان حکومت، سرزمین و مردم خواهد بود و در آمایش و برنامه‌ریزی‌های فضایی و مدیریت سیاسی فضا موثر است. همچنین نوع ریاستی یا پارلمانی بودن نظام سیاسی، تعداد نهادها و سازمان‌ها و...؛
۶. نظام فرهنگی، باورها و ارزش‌های کشورهای نیز در شکل و نحوه مدیریت سیاسی فضا موثر است؛
۷. ویژگی‌های جغرافیایی کشور: از جمله موقعیت جغرافیایی، پهناوری و شکل سرزمین، همسایگان، منابع روزمینی و زیرزمینی، آب و هوا، خاک، چگونگی ناهمواری‌ها، دسترسی به دریاها، آزاد، مسایل زیست محیطی، گردشگری، امنیت و...؛
۸. ویژگی‌های ژئوپلیتیک کشور: موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک کشور، رقابت قدرت‌ها و مناسبات قدرتی، امنیت و یا ناامنی‌های منطقه‌ای و جهانی، وضعیت جنگ و صلح و...؛

۹. تأثیر نظام بین‌المللی: در چارچوب تأثیرپذیری از همسایگان، رقابت‌های منطقه‌ای، رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی، دست‌اندازی و لشکرکشی، گفتمان غالب جهانی، جنگ‌های جهانی و

با توجه به شرایط فوق، الگوهای متعدد مدیریت سیاسی فضا از کشوری به کشور دیگر و از دوره‌ای به دوره دیگر وجود دارد که تقسیم‌بندی این الگوهای متعدد بسیار دشوار می‌نماید. در یکی از تقسیم‌بندی‌ها کشورداری به سه بخش باستانی، مدرن و پست مدرن تقسیم می‌شود (Ó Tuathail and Dalby, 2002: 34). این نوع تقسیم‌بندی بر اساس دوره‌های تاریخی است. چرا که در دوره پست مدرن هم شیوه‌های متعددی از اعمال حاکمیت بر فضای سیاسی (کشور) وجود دارد.



مدل ۱- عوامل تأثیرگذار در مدیریت سیاسی فضای ملی (کشور)

مدل از نویسندگان

۴- نظریه‌های مدیریت سیاسی فضای ملی (کشور)

بسیاری از رشته‌های علوم انسانی بر روی این موضوع که چگونه می‌توان کشوری ساخت، بهینه اداره کرد، بقا یافت، در جهان پرتلاطم رقابت کرد و تأثیرگذار بود، دارای رأی و نظر هستند. گذشته از این به تعداد حکومت‌های شکل گرفته در طول تاریخ و در تمام جهان، الگوهای متعدد اداره کشور وجود دارد.

حکومت‌ها به طور سستی اهداف یگانه‌ای داشتند: نخست حفاظت در برابر تهاجم خارجی و دوم برقراری نظم (Jacobsen and Lipman, 1968: 15). در فلسفه سیاسی نیز به طور کلی دولت عرضه «خیرعام» تلقی می‌شود (Bashiriyeh, 2014: 21). در دوره‌های اخیر نیز کشورها برای به دست آوردن منابع، توزیع شایسته رفاه و خدمات اجتماعی تلاش می‌کنند (Jacobsen and Lipman, 1968: 15)؛ چرا که امروزه حکومت یک نهاد جامع و کامل است که باید پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای عمومی جامعه باشد (Lipson, 1985: 42). با وجود رشد و توسعه علمی و تعریف‌های جدید از شاخص‌ها و الگوهای یکسان برای اداره بهینه و توسعه کشور، همچنان به تعداد کشورهای جهان، الگوهای متعدد کشورداری وجود دارد.

اندیشمندان بسیاری، درباره کشورداری دارای نظر بوده‌اند؛ هر چند تئوری مشخص و کاملی برای کارکردها و وظایف حکومت وجود ندارد (Jacobsen and Lipman, 1968: 15). نظریه عصیبت ابن‌خلدون و چرخه پنج مرحله‌ای پیدایش، انحصار، فراغت، خرسندی و فروپاشی حکومت (Hafeznia, 1996: 56)؛ نظریه ارسطو درباره تحقق زندگی خوب (Aristotle, 2011: 386)؛ تدوین ویژگی‌های حاکم ایده‌آل از فارابی؛ نظریه مصلحت عامه از ابوزید بلخی که حکومت باید مردم را در سیاست‌هایش در نظر گیرد؛ «خیر عمومی» از جان لاک؛ سه هدف آدم اسمیت، حفظ دولت از تجاوز خارجی، حمایت از افراد در برابر بی‌عدالتی و ایجاد نهادهای عمومی (Alam, 2007: 239)؛ دیدگاه‌های اندیشمندانی چون توماس آکویناس (تدوین قوانین انسانی و عقلانی)، کنفوسیوس (پیوند اخلاقیات و سیاست)، فون هولز ندورف (توسعه قدرت ملی، حفظ آزادی فرد و رفاه عمومی)، فردریش هایک (مخالف برنامه‌ریزی مرکزی و طرفدار سرمایه‌داری بازار آزاد)، توماس هابز (نظریه قرارداد اجتماعی)، نیکولو ماکیاوولی (رضایت‌مندی مردم و جدایی دین و سیاست)، جان بورگس (برقراری و تنظیم حکومت و آزادی، تکامل اصل ملیت و به کمال رساندن بشریت)، کارل مارکس با مکتب کمونیسم، مونتسکیو و نظریه تفکیک و تعادل میان قوا، برخی از مثال‌هاست.

۴-۱- نظریه‌های اسلامی

۴-۱-۱- وظایف خلیفه از دیدگاه فقاهت اهل سنت

از دیدگاه فقهای اهل سنت (ابن فراء و ماوردی)، وظایف مهم خلیفه شامل: (۱) حفظ دین، (۲) اجرای احکام قضایی، (۳) استقرار امنیت اجتماعی، (۴) اقامه حدود شرعی، (۵) حفظ مرزها، (۶) جهاد با دشمنان اسلام، (۷) جمع‌آوری اموال عمومی و مالیات‌های شرعی، (۸) توزیع بیت‌المال، (۹) تعیین مقامات اجرایی و فرهنگی، (۱۰) مباشرت، اشراف و نظارت ولایی بر کلیه امور سیاسی و دینی است (Feirahi, 2012: 130).

۴-۱-۲- وظایف امام از دیدگاه تشیع

ریاست عالی دولت و نیروهای نظامی، تفسیر شریعت و بیان حاکم مستحذات، اجرای احکام و حدود، نظارت بر ثروت‌های عمومی، برقراری قسط و عدل، پاسداری از مرزهای اسلامی، استفاده از امکانات و وسایل لازم برای تبلیغ اسلام در خارج از مرزهای اسلامی و در صورت لزوم، جهاد کردن، از وظایف امام است (Qaderi, 2012: 51). مهم‌ترین وظیفه امام نیز جانشینی پیامبر (ص) در وظایف سه‌گانه وی، یعنی تبلیغ دین و هدایت معنوی بشر، قضاوت و اداره نظام سیاسی است (Feirahi, 2012: 40).

۴-۲- اهداف و وظایف حکومت از دید جامعه‌شناسی

از دید بروس کوئن، عمده‌ترین کارکردهای حکومت برای اعضای جامعه شامل: حراست و دفاع از جامعه در برابر تهاجم خارجی؛ تأمین کالاهای اساسی و خدمات برای اعضای جامعه؛ حفظ نظم در جامعه و مجازات افرادی است که در جامعه مهم‌ترین هنجارها را نقض می‌کنند (Kuhn, 2002: 391).

۴-۳- وظایف دولت از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی

دولت در مقایسه با سازمان‌ها یا گروه‌های دیگر دارای اهداف گسترده‌تری است. نخست، حفاظت از عناصر متشکله کشور و وظایف دولت در برابر آن‌ها؛ عناصر متشکله، سرزمین، جمعیت، حاکمیت و حکومت است. دولت وظیفه دارد رابطه افراد جامعه خود را با چارچوب جغرافیایی که در آن زندگی می‌کنند به صورت پیوندی ارگانیک و در عین حال عاطفی درآورد. حفاظت از مرزها و مسئله آمایش سرزمین از اهم وظایف دولت است. افزایش وجوه اشتراک و ایجاد همبستگی بین آحاد ملت در بحث

توسعه سیاسی جایگاه خاصی دارد و نیز مشروعیت سیاسی را تقویت می‌کند. حکومت نیز با اراده مردم و تأیید آن‌ها شکل می‌گیرد و به عنوان عنصر زنده، کار تدوین استراتژی، برنامه‌ریزی و اجرا را بر عهده دارد. دوم، وظایف دولت در قبال جامعه: (۱) وظایف سیاسی: آموزش همه مردم به صورت فعال و مرتبط با نظام سیاسی و تبدیل جامعه به یک پایگاه اجتماعی مستحکم که از طریق ادغام سیاسی حاصل می‌شود؛ (۲) وظایف اجتماعی دولت: ایجاد عدالت اجتماعی مطلوب و هماهنگی‌های لازم بین بخش‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی؛ پاسداری از ارزش‌ها، اعتلای سطح فرهنگ عمومی، بهداشت و سلامت جامعه، راه و ساختمان، پاسخگویی به نیازهای مردم و... (Naghizadeh, 2000: 181-191).

۴-۳-۱- کارویژه‌های نظام سیاسی از دیدگاه نظریه سیستمی در جامعه‌شناسی سیاسی

نظام سیاسی در درجه اول وظیفه دارد نظم را در داخل کشور برقرار سازد، سپس در برابر تجاوز خارجی از تمامیت جامعه دفاع کند. همچنین کارآیی‌های نظام سیاسی شامل، نظارت و هماهنگی رفتار افراد و گروه‌ها؛ استفاده از منابع طبیعی و انسانی که دولت باید به نحوه مطلوب آن‌ها را مدیریت نماید؛ توزیع یا توان توزیع صحیح و مناسب کالا، خدمات و افتخارات بین افراد و گروه‌های اجتماعی؛ پاسخگویی که توان نظام سیاسی را در برابر تحریکات پیرامون و تقاضای برآمده از سوی افراد و گروه‌ها را به نمایش می‌گذارد و در نهایت کارآیی نمادین (سمبلیک) که در برانگیختن احساسات و ایجاد همبستگی بین مردم بسیار مفید است، مثل یادآوری افتخارات ملی و تأکید بر ارزش‌ها، اسطوره‌ها و اعیاد (Naghizadeh, 2000: 169-172).

۴-۴- نظریه‌های علوم سیاسی

حکمرانی، بر فراگرد مدیریت سیاسی اشاره دارد که مبانی هنجاری اقتدار سیاسی، سبک هدایت امور عمومی و به کارگیری منابع را در برمی‌گیرد. حکومت، با حفظ نظم اجتماعی در سرزمین معین و اعمال قدرت اجرایی در آن محدوده سروکار دارد (Pourezat, 2008: 19). (Burlatsky, 1981:52)، عملکردهای نظام سیاسی را تعیین اهداف و وظایف جامعه، بسیج منابع، یگانه کردن تمامی عناصر جامعه (ادغام اجتماعی) و مشروعیت، یعنی تطبیق دادن حیات سیاسی عملی جامعه با هنجارهای سیاسی رسمی و قانونی می‌داند. لیسون می‌گوید، معمولاً وظایف حکومت‌ها اولویت‌بندی می‌شوند. برخی از این وظایف، اصلی و برخی فرعی هستند؛ یعنی گاه انجام آن‌ها می‌تواند اجباری و گاه اختیاری باشد. در واقع باید به این پرسش پاسخ داد که آیا انجام آن اقدام بر عهده دولت هست یا خیر؟ (Lipson, 1985: 43).

نظر لاور، تأمین خدماتی مانند دفاع ملی، بهداشت عمومی و کنترل آلودگی، از کارهایی است که حکومت باید انجام دهد (Laver, 1983: 88). مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌هایی که درباره حکومت‌ها انجام شده نیز بر اساس نقش‌ها، کارکردها و اولویت‌های اجرایی آن‌ها در کشورهای خود است (Tansey, 2004: 135). به هر روی کارویژه‌های دولت یا حکومت به تدریج بیشتر شده است.

۴-۱-۴- دولت رفاه

- کارویژه‌های حمایتی دولت: الف) حفظ حاکمیت در برابر بی‌نظمی‌های داخلی و تجاوز خارجی؛ ب) وضع قانون به خاطر حفظ حاکمیت و تقویت اطاعت و ایجاد شرایط امنیت کامل؛ ج) حفظ نهادهایی مانند خانواده و مالکیت؛ د) سازمان دادن به حمل و نقل و ارتباطات، ایجاد ساختمان راه‌ها، انجام خدمات پستی در حد کارآمد؛ ر) تنظیم کار بازارها و بازرسی در وزن‌ها و اندازه‌ها؛ س) حفظ روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر؛ ص) جمع‌آوری مالیات و مجازات فراریان از مالیات (Alam, 2007: 378).
- کارویژه‌های رفاهی: شامل بهداشت، آموزش و پرورش، تأمین امنیت مادی از راه تنظیم فعالیت‌های اقتصادی و از بین بردن دشواری‌های اجتماعی، از طریق ارائه خدمات اجتماعی (Alam, 2007: 381).
- تأمین کامل کار و اشتغال برای مردم و ملی و قانونی کردن تعدادی از صنایع کلیدی؛ اما بخش عمده اقتصاد باید در دست بخش خصوصی باشد (Tansey, 2004: 139).

۴-۲-۴- هدف‌های دولت از گارنر^۱

هدف‌های دولت انواع مختلفی دارد؛ هدف‌های اصلی و اولیه، هدف‌های فرعی و هدف‌های عالی. هدف اصلی دولت حفظ صلح، نظم، امنیت و عدالت در میان افراد است. سپس، باید فراتر از نیازهای فرد به نیازهای وسیع‌تر جامعه توجه کند. مراقب از رفاه عمومی با انجام کارهایی که منافع عمومی ایجاد می‌کند و پیشبرد ترقی ملی نیز از دیگر اهداف دولت است. سرانجام عالی‌ترین هدف دولت اعتلای تمدن بشر است (Alam, 2007: 239).

1. Garner, J. W.

۴-۳- کارکردهای سه‌گانه حکومت

- کارکردهای اصلی: آن‌هایی که برای بقای کشور و حکومت حیاتی هستند؛ قدرت نظامی برای دفاع در برابر تهاجم خارجی و آشوب‌های داخلی، پلیس برای جلوگیری از جنایت و یا پیگرد تبهکاران، تقویت دادگاه‌ها برای مجازات مهاجمان، حفظ حقوق افراد و رفع مجادله‌های قانونی مردم، تقویت سیاست خارجی برای برقراری رابطه با دیگر کشورها، جمع‌آوری مالیات و نظام ثبت؛
- کارکرد خدماتی: از جمله ریشه‌کنی فقر، حمایت از افراد ناتوان، ساخت راه‌ها، کانال‌ها، بندرها، پل‌ها، آموزش، ایجاد پارک‌های عمومی، بازسازی مراکز، تدارک اقدامات بهداشتی، تنظیم کسب و کار، ایجاد قوانین پایه برای هدایت فعالیت‌های مورد نیاز جامعه، انتشار اطلاعات و...؛
- کارکردهای تجاری: حاصل از فروش کالا و یا خدمات توسط حکومت که برای بخش خصوصی و افراد انجام آن ممکن نباشد و عواید حاصل از آن در تقویت کشور به کار گرفته شود. مانند امنیت اجتماعی، پرداخت غرامت به بیکاران، بیمه، تأمین اجتماعی، خدمات بانکی و... (Jacobsen and Lipman, 1968: 17- 18).

۴-۵- دیدگاه اقتصاد سیاسی

مهم‌ترین تئوری‌های کارکردی حکومت در قرن بیستم را می‌توان در حوزه اقتصاد سیاسی دانست؛ چرا که فعالیت‌ها و اولویت‌های هر یک از اندیشه‌های سیاسی، گویای میزان اهداف دولت‌های اجرا کننده آن اندیشه در نظام سیاسی است. از آن جمله فردگرایان که معتقدند بسیاری از وظایف دولت را بخش خصوصی به شکل بهتری می‌تواند انجام دهد. در نئولیبرالیسم نقش دولت، ایجاد و حفظ یک چهارچوب نهادی مناسب برای عملکرد آزادی‌های فردی و مالکیت خصوصی است. آنارشیست‌ها دولت و لزوم آن را به طور کلی رد می‌کنند؛ در مقابل کمونیست‌ها معتقدند حکومت همه ابزارهای تولید، توزیع و حتی تنظیم همه جزئیات زندگی خصوصی را باید بر عهده داشته باشد. در فاشیسم حکومت ممکن است هر نوع کوشش انسانی را کنترل کند. در این دیدگاه کار و سرمایه هم باید باهم و زیر نظر برنامه‌های حکومت کار کند. ویژگی کلی جامعه سندیکالیسم نیز نهایت تمرکززدایی است که در جایگزینی با سرمایه‌داری مطرح شد. در دکترین جمع‌گرا، اقتدار دولتی در یک جامعه میان گروه‌های کارکردی گوناگون توزیع

می‌شود و تنها در انحصار حکومت است. سوسیالیست‌ها هم کنترل جمعی حداقل ابزارهای تولید را لازم می‌دانند. از نظر آنان حکومت قلمرو وسیعی از فعالیت‌ها را در یک جامعه ساماندهی، تصاحب و مدیریت می‌کند. زمین، سرمایه و سازوکارهای تولیدی همه در اختیار حکومت است. فعالیت‌های حکومت‌های سوسیالیستی، توزیع همه تولیدات صنعتی و هر چیزی که برای تقویت رفاه عمومی لازم است را در بر می‌گیرد (Jacobsen and Lipman, 1968: 19-23).

۴-۶- نظریه‌های دانش اداره دولت و حکومت

۴-۶-۱- اداره دولتی نوین از فردریکسون^۱

اداره دولت باید پاسخ‌گوتر به عامه، تجویزی‌تر، مشتری‌مدارتر، هنجاری‌تر و علمی‌تر باشد. این نهضت نیازمند حکمرانان دولتی فوق‌فعالی است که تمایل به برابری اجتماعی دارند؛ در حالی که در نگاه سنتی، کارگزار یا حکمران دولتی، بوروکراتی با تعلقات شخصی مهار شده، بی‌طرف و مشتاق استخدام بود. در این نظریه، اداره‌کنندگان دولت باید به مدیریت خوب و برابری اجتماعی پایبند باشند. اداره دولتی نوین، درصدد آن است که احکام قانونی، به صرفه و کارآمد اجرا شود و خط‌مشی‌های اجرایی، اثرگذار و معطوف به بهبود کلی وضعیت زندگی عامه باشد (Pourezat, 2008: 106-110).

۴-۶-۲- نظریه حکومت کارآفرین و بازآفرینی شده

بر اساس دیدگاه ازبورن و گیبلر، حکومت کارآفرین باید به امور زیر بپردازد: سکانداری به جای پارو زدن، توانمندسازی جامعه، رقابتی کردن ارائه خدمات، تحول سازمان‌های مقررات‌گرا و تأکید بر رسالت آن‌ها، تأکید بر پیامدهای نهایی به جای ورودی‌ها، پرداختن به نیازهای مشتریان به جای بوروکراسی، درآمدزایی، پیش‌بینی‌کننده وقایع، اداره جامعه به صورت مشارکتی و تحول‌سازی از طریق سازوکارهای بازار. در حکومت کارآفرین ضمن تأکید بر حداقل‌سازی نقش حکومت، ضرورت آن برای ایجاد امنیت و تسهیل فراگردهای بازار مورد تأکید قرار گرفته است (Pourezat, 2008: 276-280).

۴-۶-۳- حکومت الکترونیک

حکومت الکترونیک بر استفاده از فناوری اطلاعات (به ویژه اینترنت)، برای ارائه خدمات عمومی با تسهیلات بیشتر، مشتری‌مدارتر، اثربخش‌تر، به صرفه‌تر و در مجموع، به طریقی متفاوت و بهتر دلالت دارد.

1. Frederickson

در تعریف کلی، حکومت الکترونیک به پذیرش هر شکلی از به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در امر حکومت اشاره دارد. فناوری‌هایی نظیر دسترسی به ویدئو کنفرانس، تلوزیون تعاملی، اینترنت و ریزپردازشگرها، توسط تلفن همراه و ابزارهای الکترونیکی شخصی (Pourezzat, 2008: 291).

۴-۶-۴- عرصه‌های کلان اقدام حکومت

اقتصاد، سیاست و فرهنگ، عرصه‌های کلان اقدام حکومت هستند. مهم‌ترین وظیفه حکومت در عرصه اقتصاد، تأمین رفاه نسبی عامه، در عرصه سیاست، تأمین امنیت عمومی و در عرصه فرهنگی، افزایش آگاهی عامه برای مشارکت اجتماعی است. تحقق عدالت، سنگ پایه مشروعیت حاکمیت و مبنای توجیه ضرورت وجود حکومت است. بازسازی اقتصاد و سیاست نیز تحت تأثیر تعمیق و تحکیم هویت فرهنگی، در مسیر توسعه پایدار است (Pourezzat, 2008: 404-405).

۴-۷- حکمرانی خوب^۱

بانک جهانی در اواخر دهه ۱۹۸۰، حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ‌گو تعریف کرد (Stowe, 1992: 391). حکمرانی، عمل یا شیوه حکومت کردن یا کارکرد حکومت است (kayer, 2007: 3). مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل متحد^۲، حکمرانی را مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی، اداره مشترک امور و فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت می‌داند که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است (UN-HABITAT, 2002: 5). موضوع حکمرانی خوب با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت محیط‌زیست و توسعه زنان تأکید می‌شود (Gholipour, 2004: 85-111). حکمرانی خوب تضمین‌کننده کمینه شدن فساد و احترام به نظر اقلیت‌ها و اقشار آسیب‌پذیر در انجام تصمیم‌گیری است و در قبال نیازهای کنونی و آینده جامعه مسئول است.

1. Good Governance

2. UN-HABITAT

۴-۸- مدل‌ها و نظریه‌های سیاست‌گذاری (خط‌مشی‌گذاری) عمومی

سیاست‌گذاری عمومی^۱، به مطالعه و تحلیل عمل دولت‌ها می‌پردازد و آن یک فرایند یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تصمیم‌های دولتی است که با هدف حل یک مسئله عمومی طراحی می‌شود (Malekmohamadi, 2004: 17). سیاست‌گذاری‌های عمومی، رفتار معطوف به هدف هستند که مبتنی بر قانون و اقتدارند. تدوین این‌گونه از سیاست‌ها، علاوه بر تصمیم‌گیری برای تصویب یک قانون، حوزه اجراء، تفسیر و اعمال قانون را نیز شامل و اغلب به وسیله دولت‌ها و عوامل سیاسی انجام می‌شود (Ashtarian, 2007:15-28). در سیاست‌گذاری عمومی نظریه‌ها و مدل‌هایی وجود دارد:

۴-۸-۱- مدل مرحله‌ای (چرخه‌ای) و مراحل سیاست‌گذاری

براساس آنچه "جونز" ارائه می‌دهد، عملکرد دولت به ۵ مرحله به هم وابسته تقسیم می‌شود:

- مرحله شناخت مشکل و قرار گرفتن مشکل در دستور کار حکومت؛
- ارائه راه‌حل‌ها به تصمیم‌گیران؛ در این مرحله، قوه مجریه، مقننه و بخش خصوصی، هر سه حوزه و یا ترکیبی از آن‌ها، راه‌حل‌هایی را پیرامون حل مشکل به حکومت ارائه می‌دهند؛
- مشروعیت بخشیدن به یک راه‌حل و تصمیم‌گیری برای اجرایی شدن آن؛
- اجرای خط‌مشی‌ها؛
- ارزیابی سیاست‌گذاری‌های عمومی در حوزه اجرا شده (Vahid, 2004: 26-45).

۴-۸-۲- قانون اساسی و خط‌مشی‌گذاری عمومی

سازمان‌های عمومی و ساختارهای رسمی در هر کشوری بر اساس قانون اساسی که مشخص‌کننده خطوط کلی و نحوه عملکرد آن‌ها است، انجام وظیفه می‌کنند. قانون اساسی حدود قدرت و اختیار قوای مختلف و سازمان‌های مرتبط به آن‌ها را معین و چهارچوب‌های اصلی ساخت و عملکردها را در کشور مشخص می‌سازد. قانون اساسی بر عقاید و ارزش‌های پایدار جامعه استوار بوده و منعکس‌کننده اعتقادات اساسی حکومت است (Alvani, 2011: 115-116).

۴-۸-۳- مدل عقلایی^۱: خط‌مشی به مثابه حداکثر دستاورد اجتماعی

برای انتخاب یک خط‌مشی عقلایی، با حداکثر دستاورد اجتماعی، خط‌مشی‌گذاران باید:

- بر همه اولویت‌های ارزشی جامعه و اهمیت آن‌ها واقف باشند؛
- با همه گزینه‌های موجود خط‌مشی آشنا باشند؛
- همه پیامدهای ممکن را برای هر گزینه خط‌مشی پیش‌بینی کنند؛
- نسبت منفعت به هزینه را برای همه گزینه‌ها محاسبه کنند؛
- کاراترین گزینه را به عنوان خط‌مشی مطلوب انتخاب کنند (Alvani and Sharifzadeh, 2009: 28).

۴-۸-۴- مدل جزئی-تدریجی: خط‌مشی به عنوان اعمال تغییرات در فعالیت‌های گذشته

مدل جزئی-تدریجی، از خط‌مشی عمومی به عنوان تداوم فعالیت‌های گذشته دولت با اعمال تغییراتی جزئی نام می‌برد. در این مدل برنامه‌های جاری و گذشته ملاک عمل قرار می‌گیرند و با افزایش و کاهش در آن‌ها به تصمیمات جدید می‌رسند. خط‌مشی‌گذاران عموماً مشروعیت برنامه‌های حاضر را می‌پذیرند و برای ادامه خط‌مشی‌های قبلی نظر موافق دارند (Alvani and Sharifzadeh, 2009: 41).

۴-۸-۵- مدل بررسی تلفیقی^۲: ترکیب دو مدل

خط‌مشی‌گذاری عقلایی به واسطه زمان‌بر بودن، عدم دسترسی به منابع مورد نظر و ناتوانی پیش‌بینی شرایط احتمالی آینده، بیشتر یک مدل ایده‌آل به نظر می‌رسد تا یک مدل واقع‌بینانه. از سوی دیگر مدل جزئی-تدریجی، امکانات و فرصت‌های عالی را نادیده می‌گیرد و حقایق تجربی حاصل از تغییرات آینده را کم‌اهمیت و صرفاً بر مبنای فعالیت‌های گذشته و بدون توجه به دنیای پیچیده، خط‌مشی‌گذاری می‌کند. لذا در مدل تلفیقی ابتدا مسئله به طور گسترده ولی سطحی بررسی (مدل جزئی-تدریجی) و با پیدا شدن نقطه مشکل‌زا، آن نقطه مورد بررسی تفصیلی (مدل عقلایی) قرار می‌گیرد (Alvani and Sharifzadeh, 2009: 43-45).

1. Rational Model
2. Mixed Scanning Model

۴-۸-۶- نظریه بازی^۱: خطمشی‌گذاری به عنوان انتخابی عقلایی در شرایط رقابتی

نظریه بازی به بررسی تصمیم‌های عقلایی در محیطی رقابتی بین دو یا چند نفر (گروه) می‌پردازد. نظریه بازی یک الگوی ذهنی و استقرایی خطمشی‌گذاری است. این تئوری توضیح نمی‌دهد که افراد واقعاً چگونه تصمیم می‌گیرند، ولی نشان می‌دهد که اگر افراد کاملاً عقلایی تصمیم بگیرند، در وضعیت‌های رقابت‌آمیز به چه صورت موضع خواهند گرفت. بدین ترتیب نظریه بازی شکلی از شیوه عقلایی است، اما در وضعیت‌های رقابتی به کار می‌رود (Alvani and Sharifzadeh, 2009: 34).

۴-۸-۷- مدل گروهی: خطمشی به مثابه حاصل تعادل و تعامل میان گروه‌ها

بر اساس این مدل، تعامل بین گروه‌ها، عامل اصلی تعیین خطمشی است. این انتظار وجود دارد که نظام سیاسی بتواند اختلافات گروهی را با شیوه‌های ایجاد نظم در تعامل گروهی، ایجاد مصالحه و موازنه میان منافع گروه‌ها، تسری سازش گروه‌ها به جریان شکل‌گیری خطمشی‌های عمومی، محقق ساختن و اجرای توافقات و مصالحه‌نامه‌ها، حل و فصل کند (Alvani and Sharifzadeh, 2009: 25-28).

۴-۸-۸- مدل جدید سازمانی

در این مدل خطمشی‌گذاری‌های عمومی به چهار دسته تقسیم می‌شوند: خطمشی‌های توزیعی، قانونی-سیاسی، بازدارنده و توزیع مجدد. خطمشی‌های توزیعی مستقیماً منافع افراد خاصی را تأمین می‌کنند و هدف آن، جهت دادن به عملکرد گروه‌های خاص است؛ مانند پرداخت سوبسید به کشاورزان. خطمشی‌های سیاسی مانند نحوه انتخاب نمایندگان، کل نظام موجود در جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خطمشی بازدارنده جنبه فردی دارد و دولت با کنترل عملکرد فرد یا گروه خاصی، منافع جمع را تأمین می‌کند؛ مانند اعمال کنترل از سوی واحدهای استاندارد مواد غذایی. در خطمشی‌های توزیع مجدد، فرد خاصی مد نظر نیست و کل نظام و عملکردهای آن مورد توجه است (Alvani, 2011: 113).

۴-۹- نظریه‌های نوین علم مدیریت

مدیریت، عمل یا هنر سامان دادن، هدایت یا نظارت کردن، به‌ویژه وظیفه اجرایی، برنامه‌ریزی، سازماندهی و هماهنگی با مسئولیت‌دستیابی به نتایج و بهره‌گیری عقلایی از ابزارها برای تحقق یک هدف

است (Oxford, 2009). بنابراین مدیریت، دانش چگونگی اداره و هدایت سازمان برای رسیدن به نتایج مطلوب است (Luthans, 1969: 449). به طور کلی نظریات نوین مدیریت در معانی زیر اشتراک دارند:

- انتقال از اداره امور دولتی سنتی برای دستیابی به نتیجه و مسئولیت فردی مدیران؛
- فاصله گرفتن از دیوان‌سالاری سنتی، انعطاف‌پذیری سازمان‌ها، کارکنان، شرایط و مقررات استخدامی؛
- هدف‌های فردی و سازمانی باید به روشنی تدوین شوند و ارزیابی سیستماتیک برنامه‌های اجرایی باید بیشتر صورت گیرند. سه مؤلفه صرفه‌جویی، کارایی و اثربخشی، محرک‌های اصلی هستند؛
- کارکنان بلندپایه، به جای گرایش خاص سیاسی، متعهد به دولت حاکم هستند؛
- وظایف دولت هر چه بیشتر با آزمون بازار درگیر است، مثل واگذار کردن کارها به دیگران با انعقاد قرارداد. دخالت دولتی نباید همیشه به معنای انجام کار توسط ابزارهای بوروکراتیک باشد؛
- کاهش وظایف دولت با خصوصی‌سازی و بدون کاستن از مسئولیت‌های آن (Hughes, 1998: 87- 88).

۴-۹-۱- نظریه سیستمی

رویکرد سیستمی با اتخاذ چارچوبی برای تجسم متغیرهای داخلی و خارجی سازمان در قالب یک مجموعه واحد، به شناخت خرده سیستم‌ها، سیستم اصلی و ابرسیستم پیچیده محیط بر سازمان کمک می‌کند. می‌توان با در نظر گرفتن امور برنامه‌ریزی و یا انجام شده توسط هر خرده سیستم، برای بهبود فعالیت‌های سازمان در مسیر تحقق مأموریت آن اقدام کرد (Rezaian, 2005: 62). در نظریه‌های کلاسیک، سازمان به عنوان یک سیستم بسته مورد بررسی قرار می‌گیرد. ولی در نظریه‌های نوین، سازمان یک سیستم فنی-اجتماعی تلقی می‌شود که برای کمال باید همواره خود را با عوامل متغیر داخلی و خارجی سازگار و هماهنگ نماید. در سیستم‌های باز، مشتریان نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات سازمان دارند (Schermerhorn, 1996: 38).

۴-۹-۲- مدیریت اقتضایی^۱

نظریه اقتضاء مانند تئوری سیستمی، بر روی سازمان و ارتباط آن با محیط تأکید می‌کند (Luthans, 1987: 566). کاربرد نگرش اقتضایی نیازمند آن است که مدیران بتوانند موقعیت‌های گوناگون را به درستی تشخیص داده، وضعیت کنونی سازمان را با آن هماهنگ کنند. به عبارت دیگر، هرآنچه مدیر در عمل انجام می‌دهد به مجموعه شرایط موجود وابسته است (Johnson and others, 1979: 19). در این تئوری، سازمان‌ها برای بقا باید خود را با عوامل محیطی تطبیق دهند و وظیفه مدیران این است که مشخص کنند کدام روش در یک موقعیت و شرایط خاص و در زمان معین به بهترین وجه به هدف‌های دلخواه می‌رسد.

۴-۱۰-۱- نظریه‌های جغرافیای سیاسی

از دیدگاه جغرافیای سیاسی، کارکرد اصلی حکومت از نظر داخلی، برقراری نظم و امنیت و تلاش برای پیشبرد منافع یکایک شهروندان و از نظر خارجی پاسداری از تمامیت ارضی و استقلال کشور است (Mirheydar and Others, 2015: 26). در این میان نظریه‌هایی نیز وجود دارد:

۴-۱۰-۱-۱- نظریه ارگانیک بودن کشور

فردریش راتزل (۱۸۴۴-۱۹۰۴ م) کشور را به سان موجود زنده‌ای نشان داد که به زمین وابسته است. فضا نخستین شرط حیات است که شرایط دیگر و بیش از همه معاش با آن سنجیده می‌شود (Encel, 2009: 38). وی اشاره می‌کند، یک کشور هر اندازه پهناورتر باشد نیرومندتر و پایدارتر است. راتزل بر پیوند میان اجزا و عناصر کشور تأکید دارد. از نظر وی کشور دارای فرآیندی تکاملی است که طبیعت و اجتماع بر حکومت تأثیر می‌گذارد. راتزل پایه‌گذار نظریه سیستمی در جغرافیا است. هر چند بر تأثیر عوامل جغرافیایی بیش از سایر عوامل تأکید دارد (Veicy, 2015: 121).

۴-۱۰-۲- نظریه کارکرد حکومت^۲

به باور ریچارد هارتشورن (۱۸۹۹-۱۹۹۲ م)، هر کشور یا ناحیه سیاسی درگیر دو دسته نیروی ناسازگار مرکزگرا^۳ و گریز از مرکز^۴ است (Glassner and fahrer, 2004: 56). نیروهای مرکزگرا که موجب

1. Contingency Approach
2. The functional approach
3. Centripetal Forces
4. Centrifugal Forces

همبستگی و بقای کشور می‌شوند، زبان و فرهنگ مشترک، تاریخ مشترک و دیرپا و مرزهای خوب است. نیروهای گریز از مرکز به پاره پاره شدن کشور کمک می‌کنند و بر این پایه‌اند: تقسیمات داخلی فرهنگ و زبان، تاریخ مشترک کوتاه مدت و مرزهای پرکشش. ادامه هستی کشور در گرو برتری نیروهای سازنده بر نیروهای مخرب است (Haggett, 1996: 365-366). نقش حکومت مدیریت این دو نیرو برای پایداری کشور است (Glassner and Fahrner, 2004: 56).

۴-۱۰-۳- نظریه آیکونوگرافی^۱ و سیرکولاسیون^۲

ژان گاتمن^۳ (۱۹۱۵-۱۹۹۱م)، در چارچوب مکتب ناحیه‌ای، به وجود نیروهای سازنده و مخرب در پیدایش و بقای کشورها باور دارد؛ با این دید که نیروهای سازنده را در عوامل معنوی، فرهنگی و باورهای ملت‌ها جست‌وجو می‌کند (Gottman, 1975: 37). گاتمن به اهمیت نهادهایی همچون تاریخ، افسانه، ادبیات و منش اجتماعی در ساخت و نابودی کشورها اشاره دارد (Muscara, 1994: 85-7). آیکونوگرافی را می‌توان نیروهای نگهدارنده و سیرکولاسیون را نیروهای دگرگون‌خواه نامید. آیکونوگرافی چارچوب ایستادگی در برابر حرکت (سیرکولاسیون) و عامل پابرجایی سیاسی می‌شود، مانند روحیه ملی و منطقه‌ای. همچنین موجب می‌شود تا نفوذ بیگانه از جامعه دور بماند (Gottmann, 1952: 221). عوامل «آیکونوگرافیک» بیشتر در چهارچوب کشور و برای حفظ مرزهای بین‌المللی مطرح می‌شوند و حکومت و نخبگان ملی، عوامل پیوندساز را در سطح کشور و در میان ملت گسترش می‌دهند.

۴-۱۰-۴- الگوی یکپارچه‌سازی و جدایی‌سازی

عوامل مؤثر در بقای کشور از دید کارل دویچ^۴، تحول در کشاورزی معیشتی و ایجاد اقتصاد نو، پیدایش نواحی هسته‌ای، رشد شهرها، توسعه زیرساختی شبکه‌های ارتباطی، رشد سرمایه‌داری، رشد علایق فردی و گروهی، بیداری آگاهی‌های قومی، درهم‌سازی هیجانات قومی با فشار سیاسی و طبقه اجتماعی در جامعه است (Glassner & Faber, 2004: 56). به باور دویچ، با توسعه ملت و شکل‌یابی نظام سیاسی، سرزمین به شکل واحدی درآمده و یکپارچگی میان بخش‌ها ایجاد می‌شود. با این یکپارچگی، حکومت تقسیمات سیاسی و اجتماعی را در فضا ایجاد کرده، به گردآوری نمادهای ملی بیشتر پرداخته،

1. Iconography
2. Circulation
3. Jean Gottmann
4. Karl Deutsch

توانایی بهره‌برداری از منابع طبیعی را برای توسعه کشور به دست می‌آورد و سرانجام در همه مناطق خود نفوذ می‌کند.

۴-۱۰-۵- نظریه فلسفه جغرافیایی حکومت

وظایف حکومت‌ها نخست حفظ کشور در برابر تهدیدات، دوم مدیریت امور فضای سرزمینی و مردم، سوم فراهم کردن نیازهای مادی و معنوی ملت و چهارم ایجاد تعامل شایسته با دیگر کشورها است. حکومت ضمن تأثیرپذیری از آرمان‌ها و خواسته‌های ملت و نیروهای سیاسی از سویی و مقتضیات سرزمینی از سویی دیگر، کارکردهای خود را شکل داده و به خلق چشم‌انداز فضایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، فکری و امنیتی می‌پردازد. خلق چشم‌انداز، زیستگاه نیروهای سیاسی و اجتماعی ملت را متأثر می‌کند و این گونه تعامل بین ملت، فضا و حکومت به کمال سازمان سیاسی- فضایی منجر می‌شود. پس از تشکیل حکومت‌ها در فضای جغرافیایی، نوعی مدیریت و اداره بر آن مترتب است. از این‌رو رابطه‌ای میان فضا و مدیریت سرزمین شکل می‌گیرد که می‌توان آن را مدیریت سیاسی فضا نام نهاد. بر همین اساس هر نوع برنامه‌ریزی و مدیریت سیاسی فضا، بدون در نظر گرفتن جغرافیا فاقد کارایی است (Hafeznia, 2007: 216).

۴-۱۰-۶- نظریه اصول کشورداری یا مدیریت سیاسی فضای ملی

اصول ۲۴ گانه از دیدگاه حافظ‌نیا: (۱) حفاظت از موجودیت و تمامیت ارضی؛ (۲) حفاظت و ارتقاء قدرت ملی؛ (۳) حفاظت و تحکیم ارزش‌های هویت ملی؛ (۴) تضمین رضایت ملی و شهروندی و تقویت تعلق داوطلبانه به کشور؛ (۵) تضمین همگرایی ملی؛ (۶) تقسیم بهینه فضای جغرافیای و آمایش سیاسی کشور برای اداره بهتر؛ (۷) تجلی اراده سیاسی شهروندان با دموکراسی؛ (۸) مرزداري؛ (۹) مدیریت سیاسی فضای ملی و تعیین مدیران سیاسی واحدهای تقسیماتی درون کشوری؛ (۱۰) شبکه سازی ارتباطی میان اجزای کشور و با مرکزیت سیاسی؛ (۱۱) ساختارسازی منطقی حکومت مرکزی (شامل قانون اساسی، تشکیلات دیوانی و اداری)؛ (۱۲) تنظیم حقوق متقابل مردم و حکومت؛ (۱۳) روابط خارجی با سایر ملت‌ها و کشورها؛ (۱۴) داوری، عدالت گستری و تضمین عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی؛ (۱۵) سالم‌سازی محیط اجتماعی، ایجاد آرامش و حفظ امنیت عمومی و داخلی؛ (۱۶) دفاع ملی از کشور و ملت و رفع تهدیدات خارجی؛ (۱۷) تبیین اهداف ملی، پیشرفت و عمران کشور با توجه به فضای رقابتی جهانی؛ (۱۸) حفاظت از منافع ملی، حقوق ملت و نیز اتباع کشور در ماورای مرزها؛ (۱۹) تأمین بهینه نیازهای زیستی،

سلامت و آسایش شهروندان و ایجاد رفاه عمومی؛ ۲۰) تأمین بهینه نیازهای روحی و معنوی افراد ملت و ارتقاء فکری جامعه؛ ۲۱) تعامل با مخالفان و ناراضیان داخلی و جذب حداکثری آنان؛ ۲۲) مدیریت بهینه منابع سرزمینی و حفظ تعادل‌های اکولوژیکی کشور؛ ۲۳) آمایش، حفظ تعادل فضایی و عدالت جغرافیایی؛ ۲۴) تنظیم روابط بین اجزای ملت (اقوام، ادیان و...) (Hafeznia, 2015: 1).

۵- نقد نظریه‌ها

نظریه‌های حوزه مدیریت، بیشتر در ارتباط با سازمان، اداره سازمان و نحوه عملکرد آن است و کمتر درباره مدیریت کلان کشور بحث می‌کنند. حتی در مدیریت دولتی نیز از مدیریت کلان کشور و به‌ویژه مدیریت سیاسی فضای ملی کمتر بحث می‌شود. مدیریت منابع انسانی، برنامه‌ریزی، ساختار سلسله‌مراتبی و بوروکراسی مهم‌ترین ابعاد این نظریه‌ها هستند. توجه به همه ابعاد درون سیستم، محیط بیرونی، جغرافیا و دیگر عوامل مؤثر بر اداره کشور در آن‌ها دیده نمی‌شود. الگوهای رفتاری و انگیزه‌های فردی گاه محور نظریه‌های مدیریت دولتی است. حتی در نظریه‌های سیستمی و اقتضایی نیز محیط و مدیریت فضا کمتر مورد توجه است. نظریه‌های اداره دولت نیز بیشتر کارکردی و خدماتی است و تلاش دارد تا تنها الگویی برای جلب رضایت شهروندان، بدون در نظر گرفتن همه ابعاد مورد نیاز کشور ارائه دهد.

نظریه‌های سیاست‌گذاری هر چند تا حدی بیشتر از سیاست‌گذاری‌های کلان ملی سخن می‌گویند، اما مسئله محور هستند. آن‌ها بیشتر به دنبال شناسایی مشکلات، راه‌های شناسایی مشکلات و نیز تدوین مقررات و قانون‌گذاری در این مسیر هستند. در واقع در این نظریه‌ها منافع افراد و گروه‌ها مورد نظر است و هر فرد یا گروه غالب که تأثیرگذاری بیشتری در سیاست‌گذاری‌ها داشته باشند، توانایی و سرعت بیشتری خواهد داشت. مقصود از تلاش و کشمکش گروه‌ها هم نفوذ در فرایند سیاست‌گذاری عمومی است. در الگوی سیاست‌گذاری عقلایی، زمان‌بر بودن، دسترسی کمتر به منابع و گاه ایده‌آل بودن، از نقاط ضعف آن است. مدل جزئی-تدریجی نیز امکانات و فرصت‌های عالی را نادیده می‌گیرد و حقایق تجربی حاصل از تغییرات آینده را کم‌اهمیت تلقی کرده و صرفاً بر مبنای فعالیت‌های گذشته است. نکته مهم‌تر این نظریه‌ها، نادیده گرفتن محیط، حتی در نظریه تلفیقی است.

در نظریه‌های علوم سیاسی، اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی، کشور بیشتر به مثابه یک سیستم در نظر گرفته می‌شود که دارای کارکردها و اهداف ویژه خود است. این نظریه‌ها بیشتر بر پایه اندیشه‌های سیاسی شکل گرفته و کارکردهای کشور، بیشتر تحت تأثیر اینگونه اندیشه‌ها است. تقسیم‌بندی و

اولویت‌بندی اهداف کشور، ویژگی برجسته این نظریه‌ها بود؛ حال آنکه با نگاه سیستمی به کشور تا حدی متناقض می‌نماید. نحوه و میزان مشارکت سیاسی در نظریه‌های علوم سیاسی، ادغام اجتماعی در جامعه‌شناسی و نگاه اقتصادی سیاست به کشور در نظریه‌های اقتصاد سیاسی از دیگر ویژگی‌های این نظریه‌هاست. بقای کشور و حکومت و ایجاد نظم در جامعه نیز محور نظریه‌های فوق است؛ در حالی که در فلسفه و اندیشه سیاسی، مردم و خیر عمومی به عنوان هدف غایی حکومت در نظر گرفته شده است. در نظریه‌های جغرافیای سیاسی بیشتر سخن از عوامل مهم در پیدایش کشورهاست. افزون بر این که در برخی از نظریه‌ها، از جمله نظریه‌های هارتسون، گاتمن و سوئل کوهن در کنار عوامل مؤثر در پیدایش و بقای ملی کشورها، نیروهای واگرا و برهم‌زننده نظام کشور نیز نمایش داده شده‌اند. در نظریه‌های جغرافیای سیاسی عوامل مهم در اداره و بقای کشور اشاره شده است، اما راه‌های دستیابی و حفظ این عوامل روشن نیست. ویژگی دیگر این نظریه‌ها، سرزمین محور بودن آنهاست. به نظر می‌رسد نظریه اصول کشورداری حافظ‌نیا، جامعیت بیشتری در میان نظریه‌های جغرافیای سیاسی داشته باشد.

۶- جمع‌بندی نظریه‌ها و ارائه شاخص‌ها و وظایف مدیریت سیاسی فضای ملی (کشور)

با توجه به نظریه‌های مختلف ارائه شده، مهم‌ترین شاخص‌های مدیریت سیاسی فضای سطح ملی را می‌توان در شش دسته قرار داد. این شش رده شامل وظایف اصلی یا حیاتی کشورها، شاخص‌ها و یا وظایف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی هستند که با توجه نقد نظریه‌های گوناگون برای هر یک زیرمجموعه‌هایی تعریف می‌شود.

وظایف اصلی یا حیاتی حکومت

- بقای کشور، حکومت و ملت؛
- حفاظت از یکپارچگی سرزمینی یا تمامیت ارضی؛
- حفاظت و دفاع از استقلال، موجودیت و ارزش‌های ملی و رفع تهدیدات خارجی؛
- پاسداری از مرزها و پیرامون کشور؛
- برقراری نظم، ثبات و امنیت عمومی در داخل کشور؛
- حفاظت از منافع ملی، پرستیژ و منزلت کشور؛
- روابط خارجی شایسته با کشورها؛

- تلاش برای حفظ و پیشبرد منافع یکایک شهروندان و احقاق حق آن‌ها در داخل و خارج از کشور؛
- توسعه و تقویت قدرت ملی؛

شاخص‌های سیاسی

- حفظ قدرت سیاسی؛
- تنظیم اندیشه سیاسی حکومتی همه‌گیر و مشروعیت و مقبولیت بخشی به حاکمیت سیاسی؛
- وضع قانون اساسی و حاکمیت آن در جامعه؛
- ساختارسازی منطقی حکومت و تنظیم روابط بهینه میان دستگاه‌های اجرایی و سیاسی؛
- مدیریت سیاسی فضای ملی و تعیین مدیران سیاسی کارآمد ملی، منطقه‌ای و محلی؛
- نظارت عالی بر کلیه امور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نیز دارایی‌های کشور؛
- تنظیم و تقویت بوروکراسی اداری آسان، شهروندمحور، پاسخ‌گو، دانش‌بنیان و انعطاف‌پذیر؛
- مشارکت سیاسی، تنظیم حقوق متقابل مردم و حکومت، انتقال سالم قدرت؛

شاخص‌های اجتماعی و شهروندی

- نظام قضایی مستقل، عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی (حقوق اقلیت‌ها، آزادی فردی و...)
- اصل تضمین اتحاد، یکپارچگی و همگرایی افراد ملت با احترام به وجود تنوع قومی و مذهبی؛
- رشد و توسعه انسانی، مشارکت جامعه مدنی، خانواده، مالکیت، زنان، احزاب، گروه‌ها، اقلیت‌ها و...؛
- نحوه تعامل با مخالفان و ناراضیان داخلی و جذب حداکثری آنان؛
- اصل تنظیم روابط بین اجزای ملت (اقوام، ادیان و...) و بخش‌های جغرافیایی کشور با یکدیگر؛

شاخص‌های فرهنگی

- تعمیق، تحکیم، اعتلا، اشاعه و حفاظت از هویت ملی، ارزش‌ها، باورها و فرهنگ عمومی؛
- ارتقا و آزادی فکر و اندیشه، تأمین نیازهای روحی و معنوی و تضمین سلامت روحی جامعه؛
- تضمین رضایت ملی و شهروندی از حکومت و تقویت حس وفاداری به کشور و هویت ملی؛
- تأمین خیر عمومی و اعتلای بشر؛

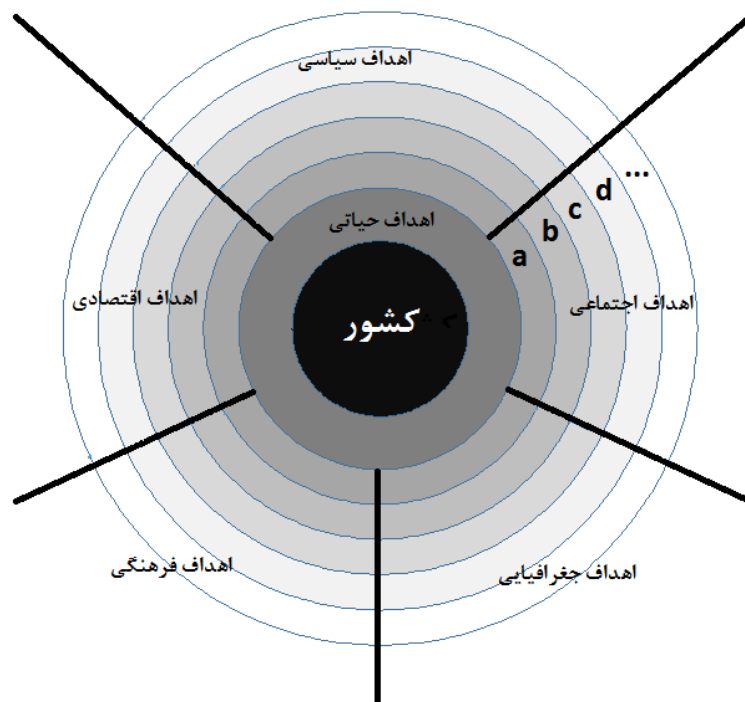
شاخص‌های اقتصادی

- جمع‌آوری مالیات؛
- تأمین رفاه و ارائه خدمات عمومی کارآمد همچون تأمین بهینه نیازهای مادی، زیستی، آموزش و پرورش، بهداشت و سلامت جامعه، آسایش شهروندان و سالم سازی محیط اجتماعی؛
- برنامه‌ریزی، پیشرفت و تعیین اهداف ملی کشور، با توجه به فضای رقابت جهانی؛
- سازماندهی، ساماندهی، برنامه‌ریزی و پیشبرد جریان‌های کلان اقتصادی و مهار فساد؛
- تمرکززدایی، کاستن از وظایف دولت به‌ویژه با کارآفرینی، بازاریابی و مردم‌سپاری امور؛
- بهره‌گیری از دانش، فناوری و تجربه و شناخت عمیق ظرفیت‌ها، ارزش‌ها و دارایی‌های ملی؛

شاخص‌های جغرافیایی

- سازماندهی سیاسی فضا و ایجاد تقسیمات کشوری کارا و حوزه‌بندی‌های انتخاباتی؛
- آبادانی، پیشرفت، آمایش، حفظ تعادل فضایی، تأمین عدالت و ثبات جغرافیایی در کشور؛
- مدیریت بهینه محیط زیست، حفظ تعادل‌های اکولوژیکی و حفاظت از بنیادهای زیستی کشور؛
- شناخت ظرفیت‌های سرزمینی و کارآیی استفاده و بهره‌برداری مطلوب از منابع کشور؛
- نگاه به سرزمین به عنوان یک میراث همگانی و برقراری پیوند عاطفی ملت با آن؛
- ایجاد یکپارچگی سرزمینی و نه یکسان‌سازی و نفوذ میان همه مناطق کشور؛

- ایجاد شبکه سراسری ارتباطی و پیوند اجزای کشور با مرکزیت سیاسی و ارائه خدمات ارتباطی؛
- ایجاد ساخت‌ها و چشم‌انداز فضایی مطلوب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛
- بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی کشور در توسعه مناسبات بین‌المللی به ویژه از راه دریا.



مدل مفهومی پژوهش: مدل حلقه‌ای ترسیم اولویت‌ها، استراتژی‌ها، اصول و شاخص‌های مدیریت سیاسی فضا

(سطح ملی)

مدل از نویسندگان

اهداف فوق با توجه به نظریه‌های مدیریت سیاسی فضای ملی و نظریه‌های کارکردی حکومت ترسیم شده‌اند. البته حکومت‌ها فهرست طولانی از اهداف و وظایف دارند؛ اما همه آن‌ها می‌توانند در مدل زیر قرار گیرند و توسعه یابند. این مدل را می‌توان مدل حلقه‌ای ترسیم اولویت‌ها، استراتژی‌ها و اهداف نامید. بر این اساس در حلقه نخست اهداف حیاتی قرار می‌گیرند که با توجه به اولویت‌ها، نیازهای جاری و یا

پایدار جامعه قابل تعیین هستند. سپس حلقه‌ها از a تا بی‌نهایت، ترسیم کننده اولویت‌ها خواهند بود. هر قدر اهداف و اولویت‌ها در دایره‌های مرکزی‌تری قرار گیرند، از اهمیت بیشتری برخوردار خواهند بود. همچنین با توجه به شرایط زمانی و مکانی ممکن است اولویت‌ها تغییر مکان دهند و از مرکز به بی‌نهایت و یا از بی‌نهایت به مرکز جابه‌جا شوند. نکته دیگر این مدل، شعاعی بودن آن است. یعنی می‌توان با توجه به نیازها، تعداد شعاع‌های آن را نیز تعیین کرد. در این پژوهش پنج شعاع، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی مورد نظر است. شعاعی بودن دایره، برای سیستمی دیدن آن است؛ چرا که اولویت‌ها باید متعدد و همه ابعاد جامعه را پوشش دهند.

۷- نتیجه‌گیری

کشور، محصول پیشرفت مدنی و سیاسی انسان است. حکومت، ملت و سرزمین مؤلفه‌های ساختاری و زیربنایی این نظام سیاسی هستند که حفاظت، مدیریت، ساماندهی و اداره آن‌ها، از نخستین و مهم‌ترین وظایف هر نظام سیاسی یا حکومت به شمار می‌آید. اساساً هر حکومت برای اداره کردن و خدمت رساندن به ملت ایجاد شده و برآوردن نیازهای جمعی بر دوش آن‌ها است. بنابراین کارایی بالای حکومت‌ها در همه بخش‌ها، همواره مورد توجه است و در همه نظریه‌های سیاسی نمود دارد. مدیریت سیاسی فضای ملی نیز هر گونه عملیات اجرایی حکومت بر فضای جغرافیایی و انسانی است. هر کشور و حکومتی از گذشته تا به امروز دارای نوع خاصی از شیوه مدیریت سیاسی فضا بوده که متناسب با شرایط اجتماعی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ایدئولوژی و ژئوپلیتیک آن کشور اعمال شده و از دیگر کشورها متفاوت است. بسیاری از این اهداف اشتراک دارند. اما بسیاری دیگر نیز به عنوان اهداف اولیه در نزد حکومت‌ها گاه از اولویت برخوردار شده و به عنوان هدف حیاتی در نظر گرفته می‌شوند و گاه با توجه به شرایط کشورها نادیده گرفته شده‌اند.

وظایف و اصول مدیریت سیاسی فضای ملی یا کشورداری در طول تاریخ دستاوردهای نظری و تجربی فراوانی داشته و آرا و نظریه‌های گوناگونی در این رابطه شکل گرفته است. در این مقاله با مطالعه و نقد نظریه‌های مختلف کشورداری در علوم انسانی، مدلی جدید از وظایف، اهداف و اولویت‌های مدیریت سیاسی فضای ملی ارائه شد. به این منظور، ابعاد، شاخص‌ها و وظایف مدیریت سیاسی فضای ملی (کشور) در قالب ابعاد شش‌گانه حیاتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی، در ۴۱ شاخص و در داخل مدلی به نام حلقه‌ای معرفی شد. مدل حلقه‌ای، ترسیم اولویت‌ها، استراتژی‌ها و اهداف

مدیریت سیاسی کشور و نیز ارائه مهم‌ترین اهداف و وظایف هر حکومت در مدیریت سیاسی فضای ملی است. به این ترتیب در حلقه نخست اهداف حیاتی قرار می‌گیرند و سپس با توجه به اولویت‌ها، حلقه‌ها از a تا بی‌نهایت، ترسیم می‌شوند. برای نگاه سیستمی به اولویت‌ها، شعاعی بودن، ویژگی دیگر مدل است تا بتوان همه اولویت‌ها و اهداف متعدد کشور و جامعه را پوشش داد. گفتنی است میزان موفقیت هر کشوری انجام همه اهداف اساسی و مورد نظر کشور و ملت به نحوه شایسته است. در واقع این موفقیت می‌تواند نشانی از توسعه و قدرت هر کشور باشد.

کتابنامه

1. Agnew, J. (2002). *Making Political Geography*, New York: Oxford University Press Inc.
2. Agnew, J. (2003). *Geopolitics*, London and New York: Routledge.
3. Alvani, S.M. & Sharifzadeh, F. (2009). *Public policy making process*, Tehran: Allameh Tabataba'i University. (In Persian)
4. Alvani, S.M. (2011). *Public policy – making*, Tehran: SAMT. (In Persian)
5. Aristotle (2011). *Politics*, (Enayat, H. Trans.), Tehran: elmifarhangi. (In Persian)
6. Ashtarian, K. (2007). *Public Policy in Iran*, Tehran: Mizan. (In Persian)
7. Bashiriyeh, H. (2014). *Political sociology*, Tehran: Ney. (In Persian)
8. Burlatsky, F. (1981). *Political power and Bureaucracy*, (Rahsepar, A. Trans.), Tehran: Amozegar. (In Persian)
9. Dodds, K. (2005). *Global Geopolitics*, Edinburgh Gate: Pearson Education Limited.
10. Encel, F. (2009). *Horizons géopolitiques*, Paris.
11. Feirahi, D. (2012). *Political System and State in Islam*, Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
12. Gholipour, R. (2004). Analyse feasible use of Good Governance model in Iraninan state structure, *Management Science Quarterly*, (Tehran), 17(67), pp. 85-112. (In Persian)
13. Glassner, M. & Fahrer, C. (2004). *Political Geography*, New York :John wiley & sons.
14. Gottmann, J. (1952). *La Politique des États et leur géographie*, Paris :A. Colin
15. Gottmann, J. (1975). *The Evolution of the concept of territory, social science information xiv (3/4)*, Paris: pp 29- 47.
16. Hafeznia, M.R. & Roomina, I. & Ahamadi Pour Z. & Fani, A.A. (2013). Political management of space in the centralized systems, Case study: Iran, *Geopolitics Quarterly*, 9(1), pp. 1-31. (In Persian).
17. Hafeznia, M.R. (1996). IbnKhaldoon's Opinions about effect of Geographical Factors on Mankind, *Modarres Quarterly*, (Tehran), 1(1), 1996, pp. 40-56. (In Persian)

18. Hafeznia, M.R. (2006). *Principles and Concepts of Geopolitics*, Mashhad: Papoli Publications. (In Persian)
19. Hafeznia, M.R. (2013). *The Philosophy of Political Geography*, Tehran: Tarbiat Modares University. (In Persian)
20. Hafeznia, M.R. (2014 spring). A New approach to the history and the founder of political geography, *Geopolitics quarterly*, 10(1), spring 2014, pp. 1-35. (In Persian)
21. Hafeznia, M.R. (2015). The principles of state governing or Political management of national level space, <http://www.hafeznia.ir/index.php/viewpoints>. (In Persian)
22. Haggett P. (1996). *Geography: A Global Synthesis*, (Goodarzinejad, S. Trans.), Tehran: SAMT. (In Persian)
23. <http://dictionary.abadis.ir>
24. <http://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/statecraft>
25. <http://www.dictionary.com/browse/statecraft>
26. <https://en.oxforddictionaries.com/definition/statecraft>
27. Hughes, O.E. (1998). *New Public Management*, (Alvani, S.M. & KhaS.i, S. & Memarzadeh, G. Trans.), Tehran: Morvarid. (In Persian)
28. Jacobsen G.A & Lipman M.H. (1968). *Political Science*, New York: Barnes and Nobel ING.
29. Johnson, R. & others. (1979). *the theory and mangement of systems*, New York: McGraw Hill.
30. Kayser, A.M (2007). *Governance*, (Golshan, I. & Adoosi, A. Trans.), Tehran: Institute for management and planning studies. (In Persian)
31. Kuhn, B. (2002). *Introduction to Sociology*, (Tavassoli, G.A. & Fazel, R. Trans.), Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
32. Laver, M. (1983). *Politics*, Oxford: Martin Robertson Company Ltd.
33. Leder, S. (2015). *Sultanice Rule in the Mirror of Medieval Political Literature*, Nequın Yavari, Regula Forster (eds.): *Global Medieval: Mirrors for princes revisited*, Harvard: Harvard University Press (Ilex Foundation) 2015, 93-111. http://www.orientinstitut.org/fileadmin/user_upload/Leder/Leder_Sultanice_Rule.pdf. 2016/8/1 .
34. Lipson, L. (1985). *The great issues of politics*, New Jersey: Prentice- Hall INC.
35. Luthans, F. (1987). *Organization Behavior*, New York: McGraw Hill.
36. Malekmohamadi, H. (2004). *Modarres and Public policy*, Tehran: Islamic Revolution Documents Center. (In Persian)
37. Mintzbery, H. (1975). *The mangers job: Foxklor and fact*, Harvard Business Review.
38. Mirheydar, D. & Rasti, O. & Mirahmadi, F. (2015). *The Basic Themes in Political Geography*, Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
39. Muscara, L. (1994). *Being and Space*. Sistema Terra, III, 1, Laterza, Rome.
40. Naghibzadeh, A. (2000). *An introduction to Political sociology*, Tehran: SAMT. (In Persian)

41. Ó Tuathail, G. & Dalby, S. & Routledge, P. (2003). *The Geopolitics reader*, London and New York: Routledge.
42. Ó Tuathail, G. & Dalby, S. (2002). *Rethinking Geopolitics*, London and New York: Routledge.
43. Ó Tuathail, G. (2000). *The Postmodern Geopolitical Condition: States, Statecraft, and Security at the Millennium*, Department of Geography, Virginia Tech, Annals of the Association of American Geographers, 166- 178 pp.
44. Oxford Dictionary (2009)
45. Pourezat, A.A. (2008). *Fundamentals of public administration*, Tehran: SAMT. (In Persian)
46. Qaderi, H. (2012). *Political Thoughts in Islam and Iran*, Tehran: SAMT Publication. (In Persian)
47. Rennie Short, J. (1993). *An Introduction to Political Geography*, London and New York: Routledge.
48. Rezaian, A. (2005). *Fundamentals of Organization and Management*, Tehran: SAMT. (In Persian)
49. Roumina, I. (2011). *Explanation of political management of geographical space in centralized unitary system. Case study: Iran* (Ph.D RESEARCH), Tehran: Tarbiat Modares University. (In Persian)
50. Schermerhorn, J.R. (1996). *Management*, New York: John Wiley & Sons.
51. Tansey, S.D. (2004). *Politics*, London and New York: Routledge.
52. UN-HABITAT. (2002). *Global campaign on urban Governance: concept paper*, 2nd Edition, Nairobi.
53. Vahid, M. (2004). *Public policy*, Tehran: Mizan. (In Persian)
54. Veicy, H. (2015). *Concepts and Theories of Political Geography*, Tehran: SAMT Publications. (In Persian)